

مروری کوتاه بر زندگانی اسکندریک منشی همراه با نقد و بررسی کتاب عالم آرای عباسی

عشرت کول آبادی*

اشاره

عالم آرای عباسی یکی از مهمترین کتابهایی است که در عصر صفویه و در دوران شاه عباس کبیر نگاشته شده است مؤلف در این کتاب وقایع سلطنت بعضی از شاهان صفوی خصوصاً شاه عباس کبیر را بیان نموده است. در اهمیت و امتیاز این کتاب همین بس است که بدانیم مؤلف آن شاهد و ناظر بسیاری از وقایع و حوادث آن دوران بوده است علاوه بر این اسکندر بیگ مؤلف این کتاب فصلهایی را هم در ذکر احوال شاعران و سادات و هنرمندان و ارکان دولت آورده است. او در این کتاب به ذکر تاریخ وقایع اکتفا ننموده و به مباحث و مسائل اجتماعی نیز کم و بیش توجه نموده است. این مقاله گامی است کوچک در معرفی این کتاب و مؤلف آن.

مختصری در مورد زندگینامه مؤلف

نام کامل نویسنده: نویسنده عالم آرای عباسی به اسکندر بیگ ترکمانی یا اسکندر بیگ منشی مشهور است ولی نام کامل آن اسکندر بیگ ترکمان مشهور به منشی و محمد یوسف مورخ است.^۱

سال تولد مؤلف: غلامرضا ورهرام در کتاب خود سال تولد اسکندر بیگ را ۹۶۸ هـ. ق می داند که با اطلاعات دیگری که در مورد سن و زمان تألیف اثرش و زمان مرگش است این تاریخ و زمان درست و صحیح به نظر می رسد.^۲

زادشهر مؤلف: اسکندر بیگ ترکمانی همانطور که از اسم او پیداست از ترکمانان آذربایجان بوده است و در آذربایجان به دنیا آمده است.

* لیسانس تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد

۱- عمید، حسن، فرهنگ صمدی، انتشارات جاویدان، ص ۱۵۲.

۲- ورهرام، غلامرضا، منابع تاریخ ایران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۱۰۰.

زندگینامه مؤلف تا قبل از کار در دربار

اسکندر بیک ترکمانی مشهور به منشی در دوران جوانی همانطور که خود در اثرش ذکر می‌کند به آموختن علم و سیاق پرداخته، به علم انشاء توجه داشته و دیگر دانشهای عهد خود خاصه علوم ادبی و شرعی را نیز فراگرفت و در آن علوم مهارت پیدا کرد تا اینکه در سال ۱۰۰۱ که شاه عباس از قزوین به اصفهان می‌رفت؛ اسکندر بیک در سلک منشیان عظام انتظام یافت و چون ارباب مناصب در قزوین توقف داشتند در رکاب مقدس به اصفهان رفته به خدمات انشاء قیام داشت و از آن تاریخ به غلامی آن حضرت سرافراز بود، او از آن پس در تمامی دوران باقی ماند. حیات شاه عباس به ادامه خدمات سرگرم بود تا اینکه در سال ۱۰۳۴ هـ. ق درگذشت.^۱

مذهب: به دلیل اینکه صفویان شیعی متعصب بوده اند و در زمان آنها مذهب شیعه مذهب رسمی کشور شد؛ چنین به نظر می‌رسد که مؤلف به دلیل اینکه در دربار بسر برده و منشی شاه عباس بوده است مذهب شیعه داشته باشد. البته خود در کتابش اشاره ای به این مسئله نمی‌کند ولی به همین دلایل بالا که ذکر شد تصور می‌شود که اسکندربیک دارای مذهب شیعه باشد.^۲

شغل: اسکندربیک بعد از حصول دانشها و علوم زمان در سن بیست و شش سالگی به خدمت سپاهیگری در خطه عراق منصوب شد، پس از آن در سال ۱۰۰۱ وارد دربار می‌شود ابتدا جزو نگهبانان شاهی بود سپس در دستگاه مرکزی حکومت شاه عباس به منشیگری منصوب می‌گردد.^۳

آثار و تألیفات مؤلف: از اسکندر بیک منشی مجموعه ای از منشآت باقی مانده است که نسخه منشآت اسکندربیک با عنوان «ترسل من منشآت خواجه اسکندربیک منشی» در لیدن موجود است. از دیگر تألیفات این مؤلف تاریخ عالم آرای عباسی است.^۴

۱- صفاء ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، جلد پنجم، چاپخانه تابش، ۱۳۷۰، ص ۱۷۴۲.

۲- ترکمانی، اسکندربیک، عالم آرای عباسی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰، برگرفته از محتوای کتاب.

۳- همان، ص ۲.

۴- صفاء ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، ص ۱۷۴۳.

وفات: اسکندربیگ ترکمانی پس از عمری کار و فعالیت در دربار شاه عباس، پس از اتمام تألیف کتاب عالم آرای عباسی در هنگامیکه مشغول تألیف ذیل این کتاب بود، در سال ۱۰۴۳ از دنیا رفت و کتابش نیمه تمام باقی ماند. سن مؤلف در هنگام وفات ۷۵ سال بود.^۱

اوضاع سیاسی و اجتماعی دوره مؤلف

امنیتی که در دوره شاه عباس در داخل ایران و در مرزهای این کشور ایجاد شد از مدت‌ها پیش در این سرزمین نظیر نداشت. در این دوره ممتد، ایران سست‌ها در دامن و امان و تحت یک سلطنت واحد ملی می‌زیست، بلکه بسیاری از نظامات درهم گسیخته اجتماعی آن تجدید شد، در این تشکیلات وسیع و منظم دانشمندان بزرگی مثل شیخ بهایی و میرداماد و بسیاری از اشخاص مطلع و متخصص مثل تاورنیه سیاح که مترجم شش زبان خارجی بود شاه را در اداره کارهای اجتماعی و اقتصادی همراهی می‌کردند. در این دوره مردم به دو طبقه تقسیم می‌شدند: ۱- طبقه حاکم ۲- طبقه متوسط که شامل تجار، کارگران و کشاورزان بودند. شاه عباس بنای اشرافیت را یکباره ولی موقتاً فروریخت تا جاییکه شاردن در سفرنامه خود بعد از این می‌گوید که دیگر طبقه اشراف وجود ندارد. شخص، محترم محسوب نمی‌گردد مگر با نیل به درجات و مقامات مهم و عالی یا با ابراز لیاقت و شایستگی و بدست آوردن ثروت. یکی از جنبه‌های بارز این مسئله وزرای دوره طلایی حکومت صفوی بودند که اغلب از طبقات پایین بودند و صرفاً روی استعداد ذاتی و نبوغ خود انتخاب شده بودند مانند حاتم بیک اردوبادی و پسرش که حدود ۳۰ سال وزارت کردند.^۲

در این زمان صدراعظم دارای اختیارات زیادی بوده و تمام درآمد و مخارج مملکت از هر قبیل با اجازه او وصول یا خرج می‌شد، احکام اداری و عالی و لشکری را ابتدا او مهر می‌کرد بعداً به مهر شاه می‌رسید. می‌توان گفت او وزیر دارایی، وزیر خارجه و وزیر کشور و نایب شاه بوده است.^۳

۱- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص ۱۵۲.

۲- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از آنجا تا پایین صفویه، چاپخانه ورامین، ۱۳۷۶، ص ۳۰۴.

۳- باستانی پاریزی، سیاست و اقتصاد در عصر صفویه، انتشارات صفی‌علی‌شاه، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۴۵.

از این گذشته ولات یا استانداران مهمترین شغل اداری را داشتند که از چهار نفر تجاوز نمی کردند و مرکز حکومتشان خوزستان، لرستان، گرجستان و کردستان بود.^۱ از مهمترین اقدامات شاه عباس در جنبه سیاسی تشکیل سپاه جدید و توسعه املاک شخصی و سپردن مشاغل به اشخاص لایق بدون توجه به نام و نسب آنها توانست دست یابان را از کارهای دولتی کوتاه کند و قدرتهای محلی را از میان بردارد و حکومت مقتدری در ایران تشکیل دهد.

در مورد اصلاحات اجتماعی برای سهولت ارتباطات، راه های اساسی عبور کاروانها آماده شد و وسایل استراحت مسافرین و بازرگانان یعنی کاروانسراها و راه ها فراهم شد که حتی هنوز امروزه راه هایی که به نام راه شاه عباسی معروف است در بعضی نقاط کشور شناخته می شود.^۲

اوضاع مذهبی دوره مؤلف

مهمترین موضوعی که با ظهور حکومت صفوی در ایران همراه است، قدرت و رواج تشیع در این سرزمین است چون صفویان شیعی متعصب بودند تشیع را مذهب رسمی ایران قرار دادند، در اوایل دوره صفویه قدرت روحانیون بسیار زیاد بود و در امور مملکتی دخالت کامل داشتند کم کم سلاطین صفویه بخصوص شاه عباس با افزودن محاکم عرف از نفوذ و قدرت آنها کاستند. ولی در اواخر مجدداً قدرت روحانیون زیاد گردید و همچنین به دلیل تغییر مذهب از تسنن به تشیع موقعیت روحانیون متزلزل گردید و مخالفین مجازات شدند و علمای شیعه نفوذ و قدرت کامل پیدا کردند روحانیون از لحاظ قضایی با منشیان و کارگزاران حکومت و از طرف دیگر در امور اوقاف با مالکین سروکار داشتند.

در این دوره شعرا به جای مدح شاهان به نعت انبیاء و اولیاء پرداخته و مدح و مرثیه آل رسول را موضوع اشعار خود قرار دادند و علما در جمع اخبار و آثار شیعه و شرح و بسط فقه و حدیث کوشیدند.^۳

۱- تاجبخش، احمد، *ایران در زمان صفویه*، کتابفروشی چهار، تبریز، ۱۳۴۰، ص ۴۰۴.

۲- باستانی پاریزی، *سیاست و اقتصاد در عصر صفوی*، ص ۹۸ و ۹۹.

۳- رضازاده شفق، *تاریخ ادبیات در ایران*، چاپخانه دانش، تهران، ۱۳۲۱، ص ۵۵.

وضعیت نظم و نثر در دوره صفویه

عصر صفویه را می توان بطور عمومی عصر انحطاط ادبی ایران محسوب داشت. در واقع خرابیهای دوره مغول و تیموریان تأثیرات عمده خود را در علم و ادب در این قرنهای ... بخشید. نثر در دوره صفویه مثل این است که کودکانه باشد و الفاظ از حلیت و کسوتی که داشته اند عریان شده اند. افعال به واسطه حذف باء تأکید در صیغه های ماضی و استعمال نشدن پیشوندهایی از قبیل بر، اندر، در، فراء، فرو، باز، واء همی یکدست شده است. و از میان رفتن افعال انشایی استمراری به صورت قدیم، خاصه استعمال کردن ماضی های نقلی و بعید، پی در پی با حذف ضمایر و افعال معین و همچنین آمدن لغات مغولی در هر سطر و کثرت مترادفات و از یاد رفتن طرز جمله بندیهای موجز به شیوه قدیم و ترک شدن بعضی کنایات و امثال و بسی نکات که درک همه مشکل است نشر این دوره را از مغز انداخته است.^۱

از مسائل قابل توجهی که در مورد نثر ذکر شده علاقه و توجهی است که سلاطین صفوی خصوصاً به زبان ترکی داشتند در این دوره غالب اصلاحات دیوانی و درباری و نظامی ترکی بود و در میان رجال دولت تکلم به ترکی رواج داشت.^۲

نگاهی کلی به ویژگیهای کتاب

انگیزه تألیف کتاب: مؤلف کتاب به علت اینکه در دربار شاه عباس بود و از تمام مسائل اداری، نظامی، دیوانی و ... دربار آگاهی داشت، شاید به دلیل گرفتن هدیه یا صولت شروع به نگارش کتاب مورد نظر کرده باشد، یا به دلیل ثبت وقایع و اتفاقات آن دوره و بدون هیچ گونه چشم داشتی اقدام به نوشتن این کتاب کرده باشد. ولی نظریه دوم به نظر صحیح تر می آید چون در کتابش زیاد مدح و چاپلوسی و غلو وجود ندارد و ترتیب وقایع را دقیق ذکر کرده است.^۳ در مورد علت نامگذاری این اثر به این نام تصور می شود که مؤلف نام کتاب خود به این علت گذاشته که فضل الله بن روزبهان خنجی پیش از او کتابی بنام تاریخ عالم آرای امینی

۱- ملک الشعراء، بهار، سبک شناسی، ج ۳، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۰، ص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۲- صفا، ذبیح الله، تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از آغاز تا پایان صفویه، ص ۳۲۱.

۳- ترکمانی، اسکندریک، عالم آرای عباسی، برگرفته از خود کتاب (متن کتاب)

تألیف کرده است که سراسر انتقاد از حکومت صفوی و شاه اسماعیل اول و شرح حال اعمال خشن و دشمنی و جدال اهل تسنن و تشیع بود.^۱

سبک نگارش کتاب: این کتاب از حیث زیبایی لفظ و ذکر وقایع و نکات تاریخی اهمیت و شهرت فراوانی یافته است. نثر آن ساده و روان است اسکندربیک در کتاب خود اشاره می کند از لفاظی و بکاربردن صنایع ادبی اجتناب کرده، با وجودیکه به طور قطع با علوم ادبی و سبک نثرنویسی مرسوم آن زمان آشنا بوده، با این وجود صنایع لفظی و تکلفات در آن دیده می شود. همین خصوصیات موجب رواج و شهرت کتاب او شده است. این کتاب نه تنها از نظر اهمیت تاریخی بلکه از حیث زیبایی نثر موجب توجه است.^۲

اهمیت کتاب: اهمیت و امتیاز خاص «تاریخ عالم آرای عباسی» در این است که مؤلف آن خود شاهد و ناظر بسیاری از وقایع و حوادث آن دوران پرهیاهو بوده است. از دیگر موارد اهمیت این اثر این است که این کتاب مشتمل بر احوال شاعران و عالمان و سادات و هنرمندان و ارکان دولت از وزیران و امیران و خوانین با ذکر وفیات آنان که بسیار مورد استفاده محققان می تواند باشد، است.^۳

تاریخ عالم آرای عباسی تنها تاریخ وقایع و حوادث نیست، بلکه کتابی است که در آن به مباحث و مسائل اجتماعی نیز کم و بیش توجه شده است. فایده مهمی که از این مورد حاصل می شود اطلاعات کثیر و مفیدی در چگونگی تشکیلات اداری و سپاهی و مسائل مالی و شرعی آن عهد است که در تدوین و تألیف تاریخ اجتماعی ایران بکار خواهد آمد.

از دیگر موارد اهمیت و فایده این اثر ضبط وقایع مربوط به تاریخ ملل همسایه و مجاور ایران مانند عثمانیها، گرجیها، سلاطین تیموری، هند و اتراک و ترکمانان ماوراءالنهر می باشد که بعضی از این وقایع در جای دیگر مضبوط نیست.^۴

موضوع و محتوای کتاب: تاریخ عالم آرای عباسی تاریخ جامعی است که در ذکر وقایع سلطنت بعضی از شاهان صفوی خصوصاً شاه عباس کبیر نگاشته شده است و به ذکر حوادث

۱- همان، ص ۱.

۲- گروهی از نویسندگان خارجی، تاریخ نگارش در اسلام، یعقوب آژند، چاپ نیما، ۱۳۶۱، ص ۱۸۴.

۳- ورهام، غلامرضا، منابع تاریخ ایران در دوره اسلامی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۱۰۰.

۴- ترکمانی، اسکندر بیک، عالم آرای عباسی، ص ۹.

مهم آن دوران پرداخته است. مؤلف کتابش را در سه جلد تنظیم کرده است، مقدمه یا جلد اول، آغاز کار سلسله صفوی است و سلطنت شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب را ذکر کرده است.^۱ جلد دوم: در وقایع سی سال سلطنت شاه عباس و ذکر اقدامات و احوالات آن پادشاه مقتدر است. و جلد سوم: شامل وقایع قرن دوم سلطنت او که از سال ۱۰۲۶ شروع و به مرگ وی در ۱۰۳۸ ختم می‌گردد.^۲ او در این بخش به احوال عده ای از علما، سادات و صاحب منصبان مالی دولت صفوی پرداخته است.

تألیف نهایی کتاب: مؤلف کتاب عالم آرای عباسی این اثر را در سال ۱۰۲۵ شروع به تألیف کرده است و تا مرگ شاه عباس تا سال ۱۰۳۸ ادامه داشته که در ۲۴ جمادی الثانی ۱۰۳۸ تألیف آن را به پایان برده است.^۳

منابع مورد استفاده: مؤلف عالم آراء در نوشتن مباحث تاریخی کتاب خود از کتب معتبری که راجع به تاریخ آن ایام در دسترس بوده استفاده کرده است که مهمترین آنها «احسن التواریخ»، «تاریخ اکبری»، «تاریخ جهان آراء»، «حبيب السیر»، «روضه الصفا»، «تاریخ طبرستان»، «تذکره میرتقی کاشی»، «صفوه الصفا»، «فتوحات یمنی»، «لب التواریخ»، «مطلع السعدین»، «نگارستان»، «نفحات الانس»، «صورالاقالیم»، «نزهة القلوب»، «مسالك و الممالک»، «عجایب المخلوقات»، «اخلاق ناصری»، «حیوه الحیوان» و ... است.^۴

انواع و سال چاپها: خود عالم آرا یکبار در سال ۱۳۱۴ هـ. ق در تهران و بار دیگر از روی همان چاپ به سعی و اهتمام مؤسسه انتشارات امیرکبیر در سال ۱۳۵۰ طبع شد، آقای ایرج افشار بر این چاپ مقدمه و چند فهرست سودمند افزوده و بعضی از افتادگیهایی که در چاپ سنگی نخستین روی داده از روی نسخ کاملتر ترمیم کردند.^۵ ادوارد براون در تاریخ ادبی ایران، جلد چهارم این کتاب را معرفی و وصف کرده است.

۱- سیدجوادی، حسن صدر، گنجینه نشر پارسی، چاپ تابش، تهران، ۱۳۴۰، ص ۱۹۷.

۲- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، جلد پنجم، ص ۱۷۴۴.

۳- دهخدا، لغت نامه، تحت عنوان کلمه اسکندر بیک منشی، ج ۴، چاپخانه مجلس، ۱۳۳۰.

۴- ترکمانی، اسکندر بیک، عالم آرای عباسی، ص ۶ و ۷.

۵- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، جلد پنجم، ص ۱۷۴۴.

چاپهایی از کتاب که توسط مستشرقین انجام شده است: نخستین بار مستشرق معروف درن مستخرجی از این کتاب را که مربوط به وقایع مازندران است در کتابش در پترزبورگ به سال ۱۸۵۰ به چاپ رسانیده است. پس از او مستشرق دیگر به نام اردمن توصیفی راجع به نسخه ای از عالم آرا که در قازان وجود داشته نوشته و آن را در شهر کازان به سال ۱۸۲۲ به طبع رسانیده است و پس از آن مجدداً در سال ۱۸۶۱ در مجله ZDMG مقاله ای راجع به کتاب عالم آرای عباسی و مؤلف آن تحت عنوان Iskender Munshi and Sein werk منتشر ساخت.^۱

موقعیت دانشمندان و نویسندگان و شاعران در این دوره

به طور کلی آنچه در این مورد استنباط می شود توجه و اهمیت علما و نویسندگان در این دوره است؛ البته باستانی پاریزی در اثر خود در مورد شعرای این دوره می نویسد: «شعرا از این دوره طلایی سهم مهمی نبرده اند و جز دو مورد، یکی برابر شدن با طلا و دیگری برابر شدن با سرگین، خاطره ای از دربار پرشکوه صفویه ندارند.» ولی این اشتباه است چون سلاطین این دوره مخصوصاً شاه عباس به تشویق و ترغیب علما و شعرا و خوش نویسان و مذهبیان و معماران و اهل هنر توجه بسیار می کرد به همین علت، دوره او از دوره های مهم ترقی علم و ادب و هنر در عهد صفوی است، او همچنین بهترین معماران و مهندسان و هنرمندان را در دستگاه خود جای داده بود و کوشش می کرد که هنرمندان به رفاه، روزگار بگذرانند.^۲

از بزرگترین دانشمندان این عهد میرمحمدباقر شمس الدین معروف به میرداماد است (متوفی ۹۲۹) که از کتب مهم او مشرق الانوار، کشف الحقایق، صراط المستقیم، متسبات و افق المبین است. دومین دانشمند، شاگرد معروف میرداماد، ملاصدرا است (م. ۱۰۵۰) که کتابهای اسفارات، المبدأ و المعاد، شواهد ربوبیه و ... را نوشته است. از ملاصدرا هم دو شاگرد بزرگ با تألیفاتی چند شهرت یافتند یکی عبدالرزاق بن علی بن حسین لاهیجی است که تألیف مشهوری در کلام و عرفان دارد و دیگری ملامحسن فیض کاشانی است که مهمترین کتابش اصول المعارف است.

۱- ترکمانی، اسکندریک، عالم آرای عباسی، ص ۶ و ۷.

۲- باستانی پاریزی، سیاست و اقتصاد در عصر صفوی، ص ۱۴۸.

منابع و مأخذ

- ۱- باستانی پاریزی، سیاست و اقتصاد در عصر صفوی، انتشارات صفی علیشاه، تهران، ۱۳۶۲.
- ۲- بهار، ملک الشعراء، سبک شناسی، جلد سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰.
- ۳- ترکمانی، اسکندریبیک، عالم آرای عباسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰.
- ۴- تاجبخش، احمد، ایران در زمان صفویه، کتابفروشی، چهر، تبریز، ۱۳۴۰.
- ۵- دهخدا، لغت نامه، تحت عنوان کلمه اسکندریبیک منشی، جلد چهارم، چاپخانه مجلس، ۱۳۳۰.
- ۶- رضازاده شفق، تاریخ ادبیات در ایران، چاپخانه دانش، تهران، ۱۳۲۱.
- ۷- سید جوادی، حسن صدر، گنجینه نثر پارسی، چاپ تابش، تهران، ۱۳۴۰.
- ۸- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، چاپخانه تابش، تهران، ۱۳۷۰.
- ۹- صفا، ذبیح الله، تاریخ سیاسی و فرهنگی از آغاز تا پایان صفویه، چاپخانه رامین، ۱۳۷۶.
- ۱۰- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تحت عنوان کلمه اسکندریبیک منشی، انتشارات جاویدان،
- ۱۱- ورهرام، غلامرضا، منابع تاریخ ایران در دوران اسلامی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- ۱۲- گروهی از نویسندگان خارجی، تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه یعقوب آژند، چاپ نیما، ۱۳۶۱.